

## حقوق بشر، ارزش‌هایی جهان روا

به مناسبت شصت و دومین سالروز اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

متن زیر نوشتاری است که بخش‌هایی از آن در بحث پالتالکی میان 9 گروه سیاسی در 12 دسامبر 2010 (21 آذر 1389) تحت عنوان: *پیرامون حقوق بشر و جایگاه آن در نگاه و مبارزه سیاسی اپوزیسیون* ایراد شد. در این برنامه نویسنده از طرف شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران شرکت داشت.

به مناسبت سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر شایسته است که قبل از هر چیز کلام و فکری داشته باشیم، با هم و در خود، برای دو مبارز و مدافع حقوق بشر. ابتدا برای محمد جعفر پوپنده که دوازده سال پیش در جریان قتل‌های زنجیره‌ای به دست عوامل رژیم جمهوری اسلامی کشته شد. او که همراه سابق ما در مبارزات دوران رژیم دیکتاتوری پهلوی بود، چند ماه قبل از ربوده شدن و به قتل رسیدن اش، کتابی تحت عنوان *اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن* از فرانسه به فارسی ترجمه کرده بود (1). او چون بسیاری از مبارزان دیگر قربانی خصومت احشایی جمهوری اسلامی با حقوق بشر شد. مدافع دیگر حقوق بشر، لیو کسپاوبو (2)، شهروند چینی است و هم اکنون در بند رژیم توتالیتار حاکم بر کشورش سر می‌برد. به خاطر تدوین چارت 2008 که از رعایت حقوق بشر و برقراری دموکراسی و پلورالیسم سیاسی در چین صحبت می‌کند، به 12 سال حبس محکوم شده است. مقامات چینی حتا اجازه خروج از کشور به همسرش برای دریافت جایزه صلح نوبلی که امسال به لیو اعطا شده است را ندادند.

این دو مورد نمادین از میان ده‌ها و صد‌ها نمونه ی آزار، دستگیری، زندان، شکنجه، سرکوب و حتا ترور مدافعان حقوق بشر در دنیا توسط رژیم‌های دیکتاتوری ما را همواره باید به فکر و تأمل فرا خواند. چرا چنین دشمنی با حقوق بشر و موازین آن؟ به ویژه از سوی دو گونه سیستم. یکی توتالیتار و دیگری تتوکراتیک از نوع جمهوری اسلامی ایران که این مورد آخری در این گفتار موضوع بحث من قرار دارد.

خصومت بنیادین جمهوری اسلامی با حقوق بشر ناشی از تضاد ماهوی این نظام با موازین حقوق بشر است. این موازین در اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر 1948 و در میثاق‌های بین‌المللی در باره ی حقوق انسانی و مدنی بیان شده‌اند. شاخص‌های اصلی این موازین کدامند؟ تضاد آشتی‌ناپذیر جمهوری اسلامی با این موازین به چه علت و در چیست؟

### حقوق بشر، برآمدی از مدرنیته

سه مضمون حقوق بشر که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر 1948 ثبت شده‌اند عبارتند از 1- آزادی‌های شخصی و مدنی. 2- حقوق برابر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد در مناسبات شان با قدرت‌ها و دولت‌ها و 3- مخالفت با هر گونه تبعیض. این مضامین به طور اساسی برآمده از مدرنیته‌اند. برآمدی از مناسبات جدید اجتماعی، مناسبات کالایی، در عصر سرمایه‌داری‌اند. ریشه در شکل‌گیری دولت‌های مدرن و جامعه مدنی دارند. محصول پیدایش و رشد سوزده هم‌در فردیت‌اش و هم‌چون سوزده ی اجتماعی (کلکتیف) است. حاصل عروج خودآگاهی انسان نسبت به نقش، استقلال، آزادی، خودمختاری و رهایی‌اش به دست خود در جامعه است. از این رو، ریشه‌های مفهومی conceptuel حقوق بشر را بیش از هر چیز باید در این مناسبات جدید اجتماعی پیدا کرد. مناسباتی که ابتدا در غرب یعنی در اروپا، در فرایند روشنگری و سپس در انقلاب فرانسه که نخستین بیانیه ی حقوق بشر و شهروندی را تدوین و اعلام کرد... پدید آمدند.

## حقوق بشر، ارزش‌های جهان روا

مفاد حقوق بشر در اعلامیه جهانی ارزش‌های جهان روا یا **اونیورسال** می‌باشند. ملت و سرزمین و در عصر کنونی ویژگی کشوری، جغرافیایی، فرهنگی و مرحله‌ی تاریخی نمی‌شناسند.

«تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابر اند...» (ماده 1)

«هر کس می‌تواند بی‌هیچ‌گونه تمایزی به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و هم‌چنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکر شده در اعلامیه بهره‌مند گردد.

به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد...» (ماده 2)

و این آزادی‌های اساسی را اعلامیه‌چنین نام می‌برد: «آزادی‌اندیشه، وجدان و دین» (ماده 18)؛ «آزادی عقیده و بیان» (ماده 19)؛ «آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز» (ماده 20)؛ «هر شخصی حق دارد که در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، بطور مستقیم یا به وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید... انتخاباتی سالم، عمومی با رعایت مساوات و با رأی مخفی...» (ماده 21)؛ «آزادی تشکیل اتحادیه برای دفاع از منافع خود» (ماده 23).

چنین ارزش‌هایی محلی یا موضعی نیستند. بالاتر از نظام‌های سیاسی اند. بالا تر از جمهوری و دموکراسی اند، بالاتر از قانون اساسی و قوانین کشوری اند. بالاتر از حاکمیت‌های ملی اند. شرطی نیستند. به رأی اکثریت و اقلیت گذارده نمی‌شوند. مشروط به وضعیت و شرایط ویژه‌ی تاریخی، سیاسی و فرهنگی این یا آن کشور، این یا آن دولت، این یا آن ملت و ملیت، این یا آن سرزمین نمی‌شوند. همه‌ی دولت‌ها، حکومت‌ها و نظام‌های اجتماعی و سیاسی می‌رند اما ارزش‌های اونیورسال حقوق بشر تا زمانی که انسان انسان است، نامیرانند. دولت‌ها، حکومت‌ها، قدرت‌ها و نظام‌ها ظهور می‌کنند و فنا می‌شوند... لکن آزادی‌های پایه‌ای، برابری حقوقی انسان بی‌هیچ‌گونه تمایزی و عدم تبعیض چون ارزش‌هایی انسانی باقی می‌مانند. این است آن چه که ما جهانروایی یا **اونیورسالیسم** حقوق بشر قطع نظر از تمایزات تاریخی، فرهنگی، ملیتی، تمدنی... می‌نامیم.

## حقوق بشر و جمهوری اسلامی، تناقضی ماهوی

تضاد جمهوری اسلامی ایران با حقوق بشر ناشی از بیگانگی این رژیم نسبت به این ارزش‌های جهانروا و برخاسته از مدرنیته است. تئوکراسی دینی و اسلامی ایران از بنیاد، در جوهر و ماهیت خود، تناقضی آشکار و **آنتاگونیستی** با مضامینی دارد که سه مؤلفه اساسی آن را، تکرار می‌کنیم، آزادی‌های فردی و اجتماعی، حقوق برابر انسان‌ها و عدم تبعیض تشکیل می‌دهند. این تضاد جوهرین در چیست؟

- نخستین تضاد جوهرین با حقوق بشر در خود نام **جمهوری اسلامی** است که جمهور را مبتنی و مشروط به دین می‌کند. با قرار دادن شرط دینی در پسوند جمهوری، **جمهور** چون «چیز عمومی» (3) قطع نظر از هر گونه تفاوت عقیدتی، ایدئولوژیکی، دینی، جنسیتی، ملیتی... نفی می‌شود.

- دومین تضاد جوهرین در حکومت دینی است که دین و دولت را در هم می‌آمیزد و نظام را تئوکراتیک می‌سازد و در نتیجه تبعیض دینی را در شالوده و ساختار آن قرار می‌دهد.

- سومین تضاد ماهوی جمهوری اسلامی با حقوق بشر در قانون اساسی آن است که بدون استثناً در تمامی اصول آن شرط مذهبی و تبعیض دینی تأکید و تصریح شده اند. بارزترین اصل از این اصول تبعیض آمیز دینی در قانون اساسی ایران را شاید بیش از دیگر مفاد آن بتوان در اصل چهارم نشان داد:

«کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»

- و سرانجام تضاد جوهرین جمهوری اسلامی با حقوق بشر را می‌توان و بیش از همه در عملکرد این رژیم از آغاز انقلاب 57 تا امروز در تجاوزات ممتد و آشکارش به حقوق انسان‌ها در ایران نشان داد. از روز نخست که گروه‌های اسلام‌گرا در خیابان‌ها جلوی تجمعات و بحث‌ها را می‌گرفتند، تا دادگاه‌های فعله‌ای انقلاب اسلامی و محاکمات صحرایی سران رژیم سابق... تا دستگیری، حبس، آزار و شکنجه مخالفان و دگراندیشان... تا کشتار زندانیان سیاسی

در سال 67... قتل‌های زنجیره ای، تروریسم دولتی در خارج از کشور و سرکوب‌های اخیر به مناسبت جنبش اعتراضی 88.

امروز با گذشت 31 سال از عمر جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر در ایران،  
- نمی‌توان از یکسو مدافع حقوق بشر بود و از سوی دیگر طرفدار حفظ نظام جمهوری اسلامی که در نام و مضمون اش تبعیض دینی حک شده است.

- نمی‌توان از یک سو مدافع حقوق بشر بود و از سوی دیگر خواهان حفظ قانون اساسی و یا مدعی وجود ظرفیت‌هایی دموکراتیک در قانونی که تبعیض دینی ماهیت و جوهر آن را تشکیل می‌دهد.  
- سرانجام نمی‌توان از یک سو طرفدار حقوق بشر بود و از سوی دیگر مبلغ و مروج اصلاحات تدریجی در چهارچوب نظامی که چنین تبعیض‌هایی شالوده‌ی آن را می‌سازند.

### حقوق بشر و کاستی‌های آن.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر 62 سال پیش نوشته شده است. از آن زمان تا کنون دفاعیه در باره آزادی‌ها و حقوق انسان‌ها زمینه‌ها و مفاد گسترده تری پیدا کرده است. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سال 1948 امروز توسط میثاق‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی که در طول بیش از نیم سده اخیر تدوین و به تصویب جامعه ملل رسیده‌اند، تکمیل شده است. از آن جمله می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان، میثاق بین‌المللی علیه شکنجه و مجازات‌های غیر انسانی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه سازمان ملل در باره‌ی حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی نام برد.  
همه‌ی این‌ها نشان‌دهنده کمبودهایی در اعلامیه جهانی سال 1948 است که به چند مورد آن در زیر اشاره می‌کنیم:

- لغو مجازات اعدام.

- در ماده‌ی 18 آمده است که «هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود؛ این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و هم‌چنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد... به طور خصوصی یا عمومی است». اما در این جا و در هیچ‌جا دیگر اعلامیه سخنی از آزادی بی‌دینی (آته‌نیسم) نمی‌رود.

- برابری زن و مرد، حقوق ملیت‌ها، حقوق اطفال... برخی دیگر از کمبودهای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است.

به‌طور کلی، امروز می‌توان گفت که جمع اسناد بین‌المللی در باره‌ی حقوق و آزادی انسان‌ها، از نخستین بیانیه‌های حقوق بشری چون اعلامیه‌ی استقلال آمریکا (1776) و اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی انقلاب فرانسه (1789 و 1793) تا اعلامیه‌ی جهانی 1948 و کلیه کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی در باره‌ی حقوق و آزادی‌های انسانی اسناد پایه‌ای حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.

### حقوق بشر، محدودیت‌های یک مفهوم

گفتیم که حقوق بشر ارزش‌هایی جهانروا می‌باشند. نه وسیله‌اند و نه هدف. بالاتر از دولت‌ها و حاکمیت‌های ملی‌اند. با این وجود، «حقوق بشر» در معناک مفهومی و در مضامین خود محدودیت‌های خود را دارد. در اندیشه و فلسفه‌ی سیاسی و اجتماعی مفاهیمی دیگری نیز عمل می‌کنند که اگر چه مشترکاتی با مضامین حقوق بشر دارند اما خودمختار یا متکی به خود می‌باشند، جایگاه، اهمیت، نقش و کارکرد ویژه‌ی خود را دارند. از آن جمله است مقوله‌هایی چون دموکراسی، جمهوری و لائیسیتیه یا جدایی دولت و دین. چنین مفاهیمی، بدون تردید، حوزه‌های کارکردی و مفهومی خود را دارند که با و در «حقوق بشر» بیان نمی‌شوند. از میان آن‌ها، لائیسیتیه که معنای صریح و بدون ابهام جدایی دولت و دین است، با این‌که با حقوق بشر در نفی تبعیض دینی و برابری حقوقی انسان‌ها قطع نظر از عقاید دینی یا غیر دینی‌شان، مشترک است اما به موضوعاتی چون جدایی دولت و دین، استقلال سه قوای قضایی، مقننه و اجرایی از دین، دستگاه و احکام آن و عدم دین‌رسمی می‌پردازد که ترجمان آن‌ها را در «حقوق بشر» نمی‌توان یافت. هم‌چنین می‌توان صحبت از ویژگی‌های دو مفهوم دیگر یعنی جمهوری و دموکراسی کرد. از این رو سه مفهوم جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین (لائیسیتیه) با این‌که بدون «حقوق بشر» بی‌معنا و تهی

می شوند اما در عین حال هر یک از استقلال و جایگاه مهم و اساسی خود در دستگاه اندیشه سیاسی مدرن امروزی برخوردارند.

### حقوق بشر و «سیاست»: مناسباتی تعارضی

«سیاست» و حقوق بشر همواره تا کنون مناسباتی بغرنج و همراه با تعارض با هم داشته اند. در «سیاست»، آن چه که من «سیاست واقعاً موجود» می نامم، منطقی حاکم است که همیشه با منطق حقوق بشر سازگار نیست. از این روست وجود تنش و تضاد میان حقوق بشر و سیاست، سیاست چه از نوع چپ و چه راست، سیاست انقلابی، ناسیونالیستی، لیبرالی یا پوپولیتس، سیاست به نام دین، طبقه یا خلق... وظیفه نیروهای سیاسی مترقی این است که «سیاست» را نه تنها در روابط بیرونی بلکه در مناسبات درونی و تشکیلاتی خود با امر حقوق بشر همساز کنند. با این حال سیاست ها، دولت ها، احزاب و قدرت های سیاسی می آیند و می روند ولی امر دفاع از حقوق بشر، مستقل از «امر سیاسی» باقی می ماند. از این رو، مدافعان حقوق بشر متشکل در انجمن های حقوق بشری باید مستقل از دولت ها، قدرت ها و احزاب سیاسی به وظایف خود در دفاع از حقوق انسان ها در همه جا و قطع نظر از نوع رژیم ها و سیاست های روز و آینده عمل کنند.

### حقوق بشر و جمهوری خواهان لائیک

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بخشی از اپوزیسیون مترقی و رادیکال ایران است که تعهد به حقوق بشر و آزادی های مصرح در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را در بیانیه ی سیاسی مؤسس خود با نام و نشان ذکر کرده است. افزون بر این، در همین منشور مؤسسان خود، تعهد به میثاق های بین المللی بویژه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان را مورد تأکید و تصریح قرار داده است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران در عین حال محصول شکافی در تولد خود بر سر حقوق بشر است. بدین معنا که این حرکت در نخستین گردهمایی سراسری خود در سال 2004، از دل اختلاف بر سر آوردن نام اعلامیه ی جهانی حقوق بشر 1948 در بیانیه ی سیاسی مؤسسان اش به وجود می آید. از این روست که برای همراهان ما، شرط حقوق بشر و تعهد به اعلامیه ی جهانی آن و دیگر کنوانسیون های حقوق بشری همراه با سه شرط اساسی دیگر یعنی جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین (لائیسیته)، در مبارزات و فعالیت های ما و هم چنین در مناسبات ما با دیگر گروه ها و سازمان ها و انجمن ها و در همکاری ها و هم سوئی های ما با آن ها، نقش اصلی و تعیین کننده ای احراز می کنند.

نشست و گفت و گوی امروزی میان ما یکی از این گونه همکاری ها در راستای دفاع از حقوق بشر در ایران از سوی اپوزیسیون جمهوری خواه تلقی می شود. این همکاری ها می توانند عرصه های دیگر فعالیت و مشارکت از جمله مبارزات دفاعی، عملی و غیره در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران را فرا گیرند.

بدون تردید چنین فعالیت هایی در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران بخشی از وظایف اصلی اپوزیسیون ایران در خارج از کشور است. اما فعالیت اپوزیسیون مترقی نمی تواند در حد فعالیت های حقوق بشری خلاصه یا محدود شود. از این نگاه، تدارک ذهنی و نظری و ایجاد آمادگی های سیاسی از طریق تبلیغ و ترویج ایده و پروژه دموکراسی، جمهوری و جدایی دولت و دین در ایران آینده در راستای بر چیدن نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت ها، همکاری ها و هم کوشی ها از نوعی دیگر نیز می طلبند که از منظر و افق ما نمی بایست به دور بمانند.

---

(1) اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه ی آن - گلن جانسون، ترجمه محمد جعفر پوپنده، نشر نی، 1377.

Liu Xiaobo (2)

Res Publica (3)